مردمی که دوست دارند روی پوست پلنگ راه بروند

یک تکه پوست؛ یک میلیون تومان

شادی شفیعی: دوست دارد زیرپایی جلو شومینه‌اش از پوست پلنگ باشد، به این در و آن در می‌زند تا پوست مناسبی پیدا کند که به دکور خانه‌اش بخورد؛ چراکه نقوش روی دیوارهای اتاق نشیمنش هم نقوش حیوانی است. از این و آن سؤال می‌کند تا می‌رسد به یک شرکت طراحی دکوراسیون داخلی خانه، فقط با یک تماس تلفنی کافی است تا به خواسته خود برسد؛ چراکه این شرکت با رابط خود تماس می‌گیرد و پوست پلنگ موردنظر را پیدا می‌کند و او را به آرزویش می‌رساند. تعداد مشتریانی ازاین‌دست که آن‌قدر لوکس به فکر طراحی خانه خود باشند که برای یک زیرپایی ساده حاضر باشند میلیون‌ها تومان هزینه کنند، کم است اما این نوع طراحی هم طرفداران خود را دارد. استفاده از پوست حیوانات در دکور خانه بحث‌برانگیز است چراکه خود حیوانات در یک طرف و مد در طرف دیگر است، هرچند که پیروی از این مد خیلی هزینه‌بر و گاهی هم دردسرساز است.

مد هزینه‌بر

محمدی که در یکی از شرکت‌های بنام طراحی دکور مشغول است، به «شرق» می‌گوید: استفاده از پوست حیوان در طراحی خانه خیلی هزینه‌بر است و به همین دلیل کار روتین این شرکت نیست ولی افراد بسیار ثروتمندی را می‌توان پیدا کرد که بسیار علاقه‌مند به این حوزه هستند و تعداد آنها از انگشتان یک دست هم کمتر است اما ابایی ندارند از اینکه برای یک رومبلی یا زیرپایی از پوست حیوان میلیون‌ها تومان هزینه کنند. به گفته این طراح در این یکی، دو سال اخیر به دلیل رکود اقتصادی تا حد زیادی تعداد این مشتریان کاهش چشمگیری داشته است. این چند سال و برحسب تجربه این شرکت، پوست گورخر و پلنگ محبوب‌ترین ایده در طراحی دکور خانه‌اند اما اگر شما از آن دسته افرادی هستید که نگران هزینه زیاد برای طراحی دکور خانه خود نیستید، این موضوع را باید در نظر بگیرید که اگر بیش از حد از پوست استفاده کنید مبتذل به‌نظر می‌رسد. آن‌طور که محمدی می‌گوید آخرین مشتری‌ای که آنها داشته‌اند یک تازه‌عروس و داماد هستند که در سفارش عجیبی خواهان استفاده از چهار تکه پوست خرگوش روی لحاف بودند که هر تکه از این پوست‌ها بین یک تا یک‌ونیم میلیون تومان قیمت دارند.

درخواست‌های عجیب

وقتی درباره خانه و مد حرف می‌زنیم، راحتی و مدل اهمیت زیادی می‌یابند. چه کسی می‌خواهد در دنیایی که همه به‌دنبال بهترین‌ها هستند، از این قافله عقب بماند؟ آن‌طور که محمدی می‌گوید: فرش‌هایی از جنس پوست حیوان علاوه بر راحتی و مدل، گرمی و آسودگی را هم برای افراد فراهم می‌کند. پوست حیوانات ویژگی‌هایی دارند که سایر جنس‌ها ندارند، از جمله دست‌ساز و گرم و نرم هستند. البته علاوه بر این نرمی و گرمی، پوست حیوانات سبک خاص خود را دارند و جلوه متفاوت و منحصربه‌فردی به فضا می‌دهند که شاید همین ویژگی‌ها باشد که بعضی از افراد را علاقه‌مند به خرید این مد پرهزینه می‌کند. اما اینکه از کجا این سفارش هزینه‌بر را برای مشتریان خود تهیه می‌کنند هم خود سؤالی است که محمدی این‌طور پاسخ می‌دهد: موقعی که کسی به ما سفارش پوست حیوان می‌دهد، ما با رابط‌های خودمان که عمدتا شکارچی هستند تماس می‌گیریم و او از طریق افرادی که در کار دباغی صنعتی پوست هستند این سفارش را برای ما تهیه می‌کند. البته گاهی هم آماده‌کردن سفارشات مشتریان به همین راحتی نیست؛ چراکه گاهی هم افرادی هستند که درخواست زرافه آفریقایی دارند که تهیه آن خارج از توان ماست.

پوست‌های کابلی

بسیاری می‌گویند تغییر سبک زندگی و تنوع آن، برخی را به استفاده از نوع جدیدتر پوشاک ترغیب می‌کند؛ پوشاکی که گاهی از پوست ببر و مار است و گاهی از پوست خرگوش. در همین کنار گوشمان در یکی از خیابان‌های مرکز شهر، کلاهی از جنس پوست روباه را به قیمت ۶۵۰ هزار تومان می‌فروشند که به گفته فروشنده اکثر آنها وارداتی کابل است؛ چراکه در ایران نمی‌شود به راحتی شکار کرد. با چرخی در مغازه، چشممان به یک نیم‌تنه‌ای از جنس پوست پلنگ می‌خورد که قیمت آن دومیلیون‌و ۵۰۰ هزار تومان است و البته پالتوی آن گران‌تر است؛ حدود پنج میلیون تومان.

دخترک خریدار انگار از نوازش پالتوی پوست لذت می‌برد: «چقدر لطیف است؛ از این پالتو، پوست خرگوش سفید را ندارید؟» فروشنده می‌گوید: باید تماس بگیرم و سؤال کنم. زن جوان از فرصت استفاده می‌کند و سراغ باقی محصولات می‌رود و حین گشت‌وگذار در مغازه، قیمت چند پوست دیگر را نیز از فروشنده می‌پرسد. او از اینکه قرار باشد از پوست یک حیوان برای پوشش استفاده کند، ناراحت نیست. «چه اشکالی دارد من که از این نرمی پوست لذت می‌برم از آن استفاده کنم. من هم دلم برای حیواناتی که کشته می‌شوند می‌سوزد اما اگر من این پالتو را خریداری نکنم، دیگری حتما آن را می‌خرد». وقتی از ندا می‌پرسم تابه‌حال به این موضوع فکر کرده است که با خرید او ممکن است، شکارچیان غیرمجاز بیشتر به شکار حیوانات راغب شوند، کمی مکث می‌کند و می‌گوید: «راستش نمی‌دانم این پوست‌ها را از کجا می‌آورند و چه کسی به آنها اجازه این کار را می‌دهد، اما اگر کار بدی بود حتما با آنها برخورد می‌شد. چیز زیادی از فعالیت این مغازه‌ها نمی‌دانم ولی بعید می‌دانم این‌طور که شما می‌گویید باشد».

پوست غزال تقلبی

«پوست غزال را نمی‌شود به این راحتی پیدا کرد چراکه غیرقانونی است و اگر بگیرند مجازات دارد؛ علاوه بر آن پوست غزال گران است و پوست‌هایی که به اسم غزال و آهو به شما می‌دهند معمولا تقلبی است». اینها را عرفان می‌گوید که به‌دنبال پوست غزال برای تزیین دیوار اتاقش مغازه‌های مرکز شهر را زیر پا گذاشته اما بیشتر فروشندگان می‌گویند به علت قیمت بالا و غیرمجازبودنش اقدام به فروش آن نمی‌کنند. البته آن‌طورکه خودش می‌گوید: بعد از گشت‌وگذارهای فراوان در بازارهای مختلف بالاخره به مجتمع تجاری پروانه می‌رسد که فروشنده به او اطمینان‌خاطر می‌دهد که پوست غزالش اصلِ‌اصل است و به او گفته این پوست را یک شکارچی از درگز برایش آورده و خودش هم دباغی‌اش کرده است. بعد از چک‌وچانه‌زدن‌های فراوان راضی می‌شود پوست را یک‌میلیون‌و ۵۰۰ هزار تومان به عرفان بفروشد. به عبارت دیگر هر قسمت ۱۰در۱۰ سانتی‌متر این پوست حدود ۵۰ هزار تومان آب می‌خورد. از فروشنده می‌پرسم وضع فروشش چطور است و معمولا چه افرادی سراغ این پوست‌ها می‌آیند که می‌گوید: «اوضاع فروش خوب است. قبلا مشتری‌های‌مان خاص و ثابت بودند اما این‌روزها می‌توانم بگویم خیلی از اقشار جامعه از اینها استفاده می‌کنند».

پوست‌هایی که در خارج از ایران هستند پرورشی‌اند و عمدتا به‌صورت صنعتی دباغی‌شده و وارداتی هستند. درواقع حیوان شکار نمی‌شود بلکه از ابتدا به‌منظور استفاده از پوستش پرورش داده می‌شود و با روش‌های خاصی کشته می‌شود تا اثر گلوله روی پوستش نماند

خرید آنلاین

پالتو از پوست آهو، کیف و کفش پوست مار، فرش با سر یوزپلنگ... شما چه حسی به این وسایل و تن‌پوش‌ها دارید؟ طرفدار حقوق حیوانات هستید و مخالف استفاده از پوست حیوانات، یا از کسانی هستید که بدتان نمی‌آید یکی از این وسایل را در خانه‌تان داشته باشید؟ آن‌طورکه پیداست لباس‌ها و وسیله‌های خاص از جنس پوست حیوانات آن‌قدر طرفدار دارند که بازاری زیرزمینی و البته گرم برای فروش آنها به راه بیفتد. با یک جست‌وجوی اینترنتی ساده در زمان کوتاهی به بازار مجازی خریدوفروش پوست می‌رسید. در سبد فروش این فروشگاه اجزای حیواناتی چون آهو، روباه، گرگ و سمور هم هست. این فروشگاه مدعی است محصولات وارداتی را عرضه می‌کند و برخی از محصولات آن هم مانند پوست کانگورو قطعا وارداتی هستند، اما بسیاری از گونه‌ها هم مثل پوست گرگ ممکن است وارداتی نباشند. روی صفحه اصلی یکی از وب‌سایت‌های فروش پوست حیوانات می‌توانید عکس و مشخصات انواع و اقسام محصولات ساخته‌شده از پوست را ببینید؛ کیف پوست خرگوش، پوست کامل و دم روباه، پوست کامل کانگورو و گوزن، سمور و مار تاکسیدرمی‌شده، کلاه پوست راکون و... .

فروش قانونی

البته ایمان مسئول این سایت مدعی است حدود سه‌سالی می‌شود که دیگر در این زمینه فعالیت نمی‌کند و فقط فروشش برای محصولات پوستی گاو، گوسفند، گوزن‌های وارداتی، خرگوش و روباه و عمدتا حیوانات مجاز است: «فروشگاه بیشتر اینترنتی است. این محصولات را هم برای بازاریابی گذاشتیم. کسی که طالب چنین محصولاتی است وقتی در اینترنت جست‌وجو می‌کند، به سایت ما می‌رسد و تماس می‌گیرد. ما هم تلاش می‌کنیم نظرشان را عوض کنیم و پیشنهاد می‌دهیم که به جای هزینه‌های بالا و احتمالا جریمه، از پوست گاو و گوسفند استفاده کنند که فروششان قانونی است». این‌طورکه ایمان می‌گوید خیلی از شکارچی‌ها با آنها تماس می‌گیرند و می‌خواهند برایشان شکار کنند. یک‌بار هم کسی می‌خواسته پوست پلنگ بهشان بفروشد و گفته که پلنگ داخل باغ‌وحش مرده بوده و پوستش را کنده‌اند. او می‌گوید پوست‌هایی که در خارج از ایران هستند، پرورشی‌اند و عمدتا به‌صورت صنعتی دباغی‌شده و وارداتی هستند. درواقع حیوان شکار نمی‌شود بلکه از ابتدا به‌منظور استفاده از پوستش پرورش داده می‌شود و با روش‌های خاصی کشته می‌شود تا اثر گلوله روی پوستش نماند. کره‌جنوبی و چین در پرورش روباه دست دارند و کشور کانادا نیز در پرورش گوزن که ازقضا این روزها این پوست‌ها در ایران فروش خوبی هم دارند. البته او می‌گوید وقتی این پوست‌ها به ایران وارد می‌شود، سازمان محیط‌زیست آنها را قبول نمی‌کند و مجوز نمی‌دهد.

بازار تقلب

او ادامه می‌دهد: «تمامی این محصولاتی که روی سایت می‌بینید، قاچاقشان وجود دارد و وارداتی هم هست. البته چون کار سخت شده است، خیلی کمتر خرید و فروش می‌شود. کار سختی است و هم غیرقانونی است و هم دردسر دارد. کارهای وارداتی هم تک هستند و دست‌به‌دست می‌شوند و معمولا هم قدیمی هستند و دست‌دوم؛ مثل پالتوی پوست، چون پوست دباغی‌شده خراب نمی‌شود و می‌شود آن را فروخت. ولی ما تمرکزمان را بر فروش پوست گاو گذاشته‌ایم». آن‌طورکه ایمان می‌گوید بازار پوست هم دستخوش تقلب شده است و گاهی در مغازه‌هایی در مرکز شهر که محل فروش این نوع محصولات هستند می‌بینیم پوست بز را رنگ می‌کنند و به‌عنوان پوست پلنگ می‌فروشند و به‌راحتی هم این نوع محصولات را در ویترین خود می‌گذارند که با توجه به این موضوع که فروش پوست پلنگ و یوزپلنگ غیرقانونی است، این کار تا حدی غیرعادی به‌نظر می‌رسد.

پوست میلیونی

چهارراه استانبول، مجتمع تجاری پروانه؛ این منطقه یکی از جاهایی است که فروشندگان پوست حیوانات وحشی در روز روشن بساط تجارت ممنوعه خود را پهن می‌کنند. در این مجتمع همه‌چیز پیدا می‌شود؛ از انگشتر و گردنبند طلا تا عاج فیل و پوست حیوانات. یکی از مغازه‌ها پوست نعره‌زن پلنگی را در ویترین خود گذاشته که گوشت و استخوانی بر پوست ندارد که به گفته صاحب مغازه قیمت این پوست پلنگ پنج میلیون تومان است: «این پوست درواقع ۱۰ تا ۱۲ میلیون تومان می‌ارزد. کسانی که در ایران پلنگ را تاکسیدرمی می‌کنند از چشم‌های یک‌میلیون‌تومانی استفاده می‌کنند». در صحبت‌های این فروشنده نشانی از نگرانی دیده نمی‌شود. قیمت مابقی محصولاتی که در مغازه دارد را سؤال می‌کنم: «آن پوستِ بزرگ مال گربه وحشی است و ۸۰۰ قیمت دارد. روی این پوست می‌شود با دست و سوزن کار کرد». مرد فروشنده درباره پوست دیگر حیواناتی که می‌فروشد، می‌گوید: «آن کلاه سمور قهوه‌ای ۴۵۰ هزار تومان است. ما پوست خرس، راکون، روباه و آهو هم داریم اما روی پوست آهو نمی‌شود با سوزن کار کرد».

راه‌رفتن روی پوست پلنگ

قیمت انواع پوست بسیارمتفاوت است. درواقع قیمت مقطوع برای هیچ‌کدام از این پوست‌ها درنظر گرفته نمی‌شود. غیرقانونی‌بودن این تجارت و اینکه بسیاری از شکارچیان با توجه به نیازشان روی پوست‌ها قیمت می‌گذارند، عامل این تغییر و تفاوت قیمت‌هاست. آن‌طورکه پیداست، فروش پوست حیوانات و استفاده از آنها بازار پررونق و آشفته‌ای دارد که بیشتر شبیه کلاف سردرگم است. هیچ‌کس منکر وجود آن نیست اما غیرقانونی است. می‌گویند وارداتی هستند. ما و شما بدمان بیاید یا نیاید، خیلی‌ها دوست دارند پوست روباه دور گردنشان بیندازند، روی فرش پوست پلنگ قدم بگذارند و خانه‌شان را با دندان نیش گرگ تزیین کنند.

«تاکسیدرمی» یا آخرین راه برای حفظ حیات وحش مرده

زندگی تازه حیوانات

هما نصرتی: وقتی که لاشه حیوانی را کنار جاده یا در زیستگاهش می‌بینید، چه کار باید انجام بدهید؟ این سؤالی است که معمولا در سفر به دل طبیعت با آن مواجه می‌شویم. پایان عمر حیوان، پایان حضور او در محیط زندگی‌اش نیست و تا تکلیف لاشه‌اش روشن نشود، حیات او به‌گونه‌ای دیگر در جهان ادامه خواهد داشت. معمولا جسد بی‌جان آنها، توسط باقی حیوانات خورده می‌شود و باقی‌مانده آن به‌مرور جذب زمین خواهد شد؛ اما اگر شاهد مرگ حیوانی بودید، راه‌هایی برای زندگی دوباره او در کالبدی بی‌جان وجود دارد!

انسان قرن‌هاست که به دانش تاکسیدرمی مسلط شده؛ دانشی که به او امکان می‌دهد، لاشه حیوانات را در شرایطی خاص، بازسازی و به شکل یک شی موزه‌ای برای مصارف آموزشی و تحقیقاتی احیا کند. تاکسیدرمی در طول این سال‌ها که به یک دانش فراگیر بدل شده، مخالفان و موافقان فراوانی هم دارد اما در ایران، تعداد موافقان آن بسیار بیشتر از مخالفانش است. عزت لاهوتی، یکی از کارشناسان حوزه تاکسیدرمی با ۱۵ سال سابقه فعالیت‌است و بسیاری از حیواناتی که تاکسیدرمی کرده در موزه‌های معتبر حیات‌وحش ایران نگهداری می‌شوند.

به اعتقاد او، تاکسیدرمی برخلاف ظاهر خشنش، یک راهکار خوب برای حفاظت از گونه‌های حیات‌وحش است و به انسان این امکان را می‌دهد که از لاشه بی‌جان حیوانات برای مصارف علمی، تحقیقاتی و آموزشی استفاده کند: «کارشناسان حوزه روان‌شناسی اجتماعی، سال‌هاست که اثبات کرده‌اند، شکار برخی گونه‌های نادر جانوری، از روی کنجکاوی است؛ یعنی شکارچیانی هستند که از روی عدم دانش و به‌خاطر کنجکاوی نسبت به طبیعت، شکار می‌کنند؛ این در حالی است که می‌توانیم با حیوانات تاکسیدرمی‌شده، آنها را در معرض دید همگان قرار دهیم و با این کار جلوی مرگ این حیوانات را بگیریم». به گفته او در ایران، لاشه‌های نیمه‌جان یا حیواناتی که تازه مرده‌اند، بهترین نمونه‌ها برای تاکسیدرمی هستند، با این شرط که لاشه به‌موقع و با کمترین ضایعات به مراکز تاکسیدرمی منتقل شود: «اگر احیانا در طبیعت‌گردی‌های خود با لاشه حیوانی مواجه شدید، اولین قدم تماس‌گرفتن با گشت‌های محیط‌زیست، جنگلبانی و یا محیط‌بان‌هاست. قدم بعدی ازدست‌ندادن زمان است. لاشه مرده حیوان باید در کمتر از ۲۴ ساعت به مراکز تاکسیدرمی برسد تا بتوان با کمترین ضایعات، آنها را تاکسیدرمی کرد».

لاهوتی هشدار می‌دهد که حتی حیوان‌های نیمه‌جان هم امکان دارد دوباره بهبود پیدا کنند بنابراین مقصد تاکسیدرمی فقط در انتظار حیواناتی است که مرگ آنها محرز باشد: «حین انتقال حیوان باید مراقب پوست و موی او باشیم که از ارزشمندترین بخش‌های حیوان در تاکسیدرمی است.

استفاده از یک کیسه پارچه‌ای برای انتقال لاشه بهترین گزینه است و باید حواستان باشد، خون لاشه، حیوانات دیگر را به سمت شما نکشاند! اگر در محیط‌های خنک هستید، لاشه گاهی حتی تا دو روز هم قابلیت نگهداری دارد اما در محیط‌هایی گرم‌تر از ۲۴ درجه، فقط یک روز زمان دارید، لاشه را به مرکز تاکسیدرمی برسانید. در این شرایط به هیچ‌عنوان حیوان را داخل محلول نمک نخوابانید یا رویش نمک نپاشید، این کار هیچ نتیجه‌ای ندارد و مانع از فساد موی حیوان نمی‌شود». با تحویل حیوان به مراکز تاکسیدرمی، می‌توانید آسوده‌خاطر باشید که حیات تازه‌ای برای یک حیوان مرده ایجاد کرده‌اید، تاکسیدرمی‌شده‌ها معمولا عمر بالایی خواهند داشت و صرف‌نظر از اینکه بعضی‌ها تمایل به نگهداری آنها در خانه‌های خود دارند اما بیش‌ازپیش مصرف علمی و تحقیقاتی آنهاست که موردنظر تاکسیدرمیست‌ها بوده و هست.

همین حوالی

حقوق مالکیت هنری و سؤال از شهرداری

افسانه عابدین

نگارخانه شهری که توسط شهرداری در سطح شهر برپا شد و غالبا آثار نقاشی هنرمندان ایرانی و خارجی را به‌نمایش گذاشت، توجه برخی را به خود جلب کرد. جدای از بحث زیباسازی شهر و ایجاد فرصتی برابر برای همه شهروندان برای بازدید و آشناشدن با آثار مطرح جهانی، سؤال دیگری مطرح است؛ اینکه آیا شهرداری حقوق مالکیت ادبی و هنری (حق مؤلف) این آثار را رعایت کرده است یا خیر؟

این بحث را می‌توان در دو تقسیم‌بندی ادامه داد:

الف) تفکیک آثاری که وارد حوزه عمومی شده‌اند یا هنوز حقوق مادی آنها مشمول مرور زمان (۵۰ سال) نشده است.

مطابق قانون ایران برخلاف حقوق معنوی آثار که محدود به زمان نیست (ذکر نام پدیدآورنده و...)، استفاده از حقوق مادی، محدود به زمان مشخصی است که با گذشت این زمان، استفاده از آثار برای عموم مردم با رعایت حقوق معنوی مجاز خواهد بود، بنابراین در استفاده از آثاری که وارد حوزه عمومی شده‌اند، با ذکر نام صاحب اثر نقض حقوقی صورت نگرفته است.

ب) تفکیک بین آثار ایرانی و خارجی

۱-آثار خارجی: به‌دلیل اینکه ایران به کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط به کپی‌رایت از جمله کنوانسیون برن نپیوسته است، بنابراین طبق قانون داخلی، آثاری که برای اولین‌بار خارج از ایران منتشر یا عرضه می‌شوند، قابلیت حمایت را ندارند؛ برای مثال اگر یک هنرمند ایرانی از اثر یک هنرمند خارجی بدون کسب اجازه و رعایت حقوق مادی و معنوی استفاده کند، به‌لحاظ قانونی مسئولیتی متوجه شخص نیست (البته بحث رعایت اخلاق حرفه‌ای به قوت خود باقی است)، در نتیجه مطابق قانون ایران، شهرداری مکلف به کسب اجازه درباره استفاده از این آثار نبوده، اما همان‌طور که مشاهده کرده‌ایم، حقوق معنوی تمامی آثار رعایت شده و نام صاحب هر اثر قید شده است و به‌نظر می‌رسد که اصول اخلاقی در این زمینه رعایت شده است.

۲- آثار ایرانی که وارد حوزه عمومی نشده‌اند و هنوز تحت حمایت قانون قرار دارند: در مورد رعایت حقوق معنوی به نظر می‌رسد که در همه آثار با قید نام صاحب اثر نقضی صورت نگرفته است، اما بحث اصلی درباره نقض حقوق مادی آثاری است که وارد حوزه عمومی نشده‌اند که دو فرض وجود دارد: -شهرداری از صاحبان حق برای استفاده کسب اجازه کرده - از صاحبان حق کسب اجازه صورت نگرفته: در این مورد به نظر می‌رسد صاحب حق مطابق قانون ۴۸ امکان پیگیری قانونی را خواهد داشت.

با قبول این فرض که شهرداری تمامی حقوق مادی و معنوی را رعایت کرده است (براساس اخبار منتشره)، باید گفت که بالاخره این نهاد با حقوق مالکیت ادبی و هنری آشنا شده و این گامی روبه‌جلو است، چون تا چندی پیش شاهد نقض گسترده حقوق مادی و معنوی با استفاده از آثار هنرمندان توسط این نهاد بوده‌ایم، امید است رعایت این اصول پایدار باشد و حوزه فرهنگ‌سازی را در این زمینه ایجاد کند.

دریچه

پاسخ‌های صدرالدین طاهری به پرسش‌های «شرق» درباره موزه‌های آموزشی

یک حرکت روبه جلو

سعید برآبادی: چندسالی است که مفهوم موزه در حال تغییر و این همانی، با روند روبه‌رشد آموزش همراه شده است. در این تعریف تازه، دیگر موزه یک مکان برای نگهداری اشیای صرفا تاریخی نیست، دولت‌ها تنها متولی آن نیستند و از همه مهم‌تر، کاربران آن نیز تغییر کرده و کودکان، اصلی‌ترین بازدیدکنندگان آن شده‌اند. اما دکتر صدرالدین طاهری، عضو هیأت‌رئیسه انجمن موزه‌داران ایران، در گفت‌وگو با «شرق» به نکته تازه‌ای اشاره می‌کند. او معتقد است موزه‌های آموزشی جدید نیز همچنان از تعریف اصلی و پایه‌ای موزه برخوردارند، ولی قابلیت‌هایشان توسعه یافته و مفهوم‌شان عمیق‌تر شده است: «درحال‌حاضر نگاهی به جوامع پیشرفته‌تر، نشان می‌دهد بخش مهمی از آموزش برای گروه‌های پیش‌دبستانی تا کهن‌سال در جوامع مدرن را موزه بر دوش گرفته. موزه‌های بزرگ، خود در جایگاه گران‌سنگ‌ترین دانشگاه‌ها، به‌تربیت دانشجو در دوره دکترا و پسادکترا می‌پردازند و در این راه، سقف بلند بنای دانش بشری را فراتر می‌برند. روزآمدترین پژوهش‌ها، ارزشمندترین کتاب‌ها و نوترین نظریه‌ها، معمولا از گروه‌های رسانه‌ای یا انتشاراتی وابسته به موزه‌ها شنیده می‌شود و دیگر نمی‌توان جامعه بدون موزه را متمدن خواند». به گفته او، ارتباط انسان امروز با موزه‌ها، از نوزادی شروع می‌شود، چراکه موزه‌ها، دیگر در مقام یک مکان تاریخی صرف نیستند: «از سال‌های نوزادی، ارتباط با موزه آغاز می‌شود. در موزه‌های کُنشگر (Action Museums)، کودکان دو تا سه‌ساله رنگ‌ها، شماره‌ها و شکل‌های ریاضی را می‌شناسند. نخستین گام‌ها در فهم طبیعت، در سنین پیش‌دبستانی در موزه‌های «دانش برای کودکان» برداشته شده و آنان را با نور، باد، زمین، آب، خورشید و... آشنا می‌کنند. تالارهای «خیال و جست‌وجو» به کودک اجازه می‌دهند تا خود به کشف رازهای جهان و تقویت اندیشه و خیالش بپردازد. در همین سن در موزه‌های «سرزمین کودک»، نونهالان با ایستادن در جایگاه کاری دلخواه‌شان و شناخت وظایف بزرگسالان، اقتصاد و مشاغل، برای تبدیل به شهروندی مسئولیت‌پذیر آماده می‌شوند». این عضو هیأت‌رئیسه انجمن موزه‌داران، موزه را یکی از مهم‌ترین نیازهای امروز جوامع مدرن دانسته و به ویژگی‌های موزه‌های نوظهور در ایران هم اشاره می‌کند که به‌تازگی توسط بخش خصوصی و به‌خصوص نهادهای آموزشی درحال گسترش هستند: «این تنها مربوط به ایران نیست، در همه‌جای دنیا، موزه را از مهم‌ترین نیازهای

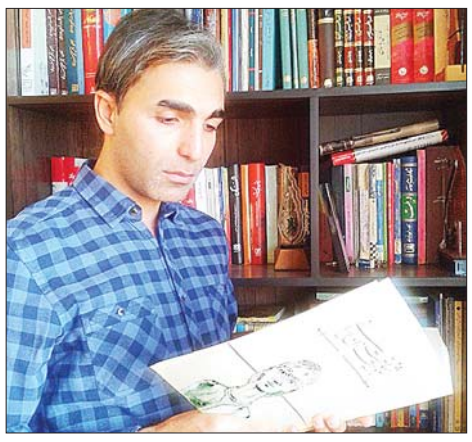

یک جامعه مدرن دانسته‌اند. نه آن‌گونه که ما می‌پنداریم نهادی زینتی، تفریحی یا برای دل‌های سیر، که سازمانی سازنده، پویا و تأثیرگذار و نیز نه آن‌گونه که در ایران رایج است؛ یعنی جایگاه گردآوردن آثار باستانی، بلکه مکانی برای پژوهش در رشته‌های گوناگون هنری، دانش‌های پایه و فناوری‌های نو». به گفته او، موزه‌های «دانش و فناوری» جایگاه آموزش علوم برای تمام رده‌های سنی هستند. در تالارهایی ویژه دانش‌آموزان، دانشجویان یا کارشناسان، به اقتضای سن و تحصیلات بازدیدکننده، موضوع موزه (چون فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی، اخترشناسی، جانورشناسی و...) به کمک ابزارهای علمی مورد بررسی قرار می‌گیرد. آن‌طور که دکتر طاهری می‌گوید، قانون برخی از این موزه‌ها (که آثارشان باستانی نیست)، برخلاف موزه‌های باستان‌شناسی، چنین است: «به اشیا دست بزنید». به‌این‌ترتیب، فرایند آموزش، بسیار کارآمدتر، ریشه‌مندتر و قابل‌فهم‌تر از مدارس انجام خواهد گرفت. حتی کلاس‌های تاریخی و هنری نیز در تالارهای موزه پا می‌گیرند تا بتوان آثار یک سبک یا یک هنرمند را از نزدیک بررسی کرد، یا در فضای یک دوره تاریخی قرار گرفت.

در جهان امروز که فاصله انسان با تجربیات فیزیکی روزبه‌روز در حال کاهش است و تصویرها، جای واقعیت‌ها را گرفته‌اند، طاهری، موزه‌های این‌چنینی را یکی از ابزارهای مناسب برقراری ارتباط میان جوان‌ترها و محیط پیرامون‌شان می‌داند و به عنوان نمونه، به موزه‌های تخصصی «پورشه اشتوتگارت»، موزه «اسباب‌بازی توکیو»، موزه «نان سن‌پترزبورگ»، موزه «شکلات مکزیکو» و... اشاره می‌کند که معمولا در آنها، تاریخچه کشف، ساخت و به‌کارگیری یک موضوع در گالری‌ها به‌نمایش درمی‌آیند. این موزه‌ها مکانی برای گردآمدن کارشناسان و پیشرفت فنون به شمار می‌آیند. به گفته او، در نهادهایی چون موزه قصه آکسفورد، علاوه‌بر گفتن و شنیدن داستان‌ها، روی ساختار آنها پژوهش‌های ادبی انجام می‌شود. برخی از آنها چون موزه تن‌تن بروکسل، تنها به یک شخصیت یا قصه ملی اختصاص دارند.

جامعه امروز ایران، نهادهای موازی بسیاری در حوزه موزه‌ها دارد، اما جالب اینجاست که نهادهای آموزشی هم پا به‌میدان گذاشته‌اند و تمایل خود را برای راه‌اندازی موزه‌های خصوصی آموزشی، مطرح کرده‌اند. در همین راستاست که بعضی از گروه‌ها با بستن قرارداد کار، تجهیز این موزه‌ها را بر عهده می‌گیرند و عملا، فضاهای آموزشی کوچک و بزرگ را به یکی از مدرن‌ترین ابزارهای آموزشی مجهز می‌کنند. طاهری، این راهکار را، یک راهکار عملی برای درک بهتر مفاهیم قابل‌آموزش می‌داند و می‌گوید: «در شرایطی زندگی می‌کنیم که وظیفه موزه برای آموزش به جامعه، به گروه‌های سنی یا علوم ویژه محدود نمی‌شود. موزه‌ها نسل آینده را به‌طور علمی آگاه‌تر و کارآمدتر می‌کنند. موزه سال‌هاست که در کنار جذب گردشگر و ساختن ساعاتی خوش برای شهروندان، به سازمانی تلاشگر و گران‌قدر برای آموزش جامعه بدل شده است». اما سؤال پایانی اینجاست که تا چه حد دخالت نهادهای غیرمرتبط با امر موزه، می‌تواند در تجهیز درست موزه‌های آموزشی نقش مثبت داشته باشد. آیا موزه‌هایی که امروز در مدارس و آموزشگاه‌ها راه افتاده‌اند، واقعا به مأموریت واقعی موزه‌ها پایبندند؟ به‌نظر می‌رسد پاسخ این سؤال هرچه باشد، اهمیت چندانی ندارد، چراکه در دوره گذار از تعریف‌های کلاسیک به سمت تعریف‌های تازه‌تر و جهانی‌تر، این‌بار این نهادهای آموزشی هستند که پیش‌قدم شده‌اند.